

محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی اقلام صورت‌های مالی

علی رحمانی^۱، حمیده اثنی عشری^۲، اعظم ولی‌زاده لاریجانی^۳

چکیده: در این پژوهش رابطه بین محافظه‌کاری و محتوای اطلاعاتی سود خالص در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. به منظور اندازه‌گیری محافظه‌کاری از سه مدل باسو ۱۹۹۷، بال و شیوا کومار ۲۰۰۵ و بال، کوتاری و رابین ۲۰۰۰ و به منظور اندازه‌گیری محتوای اطلاعاتی از مدل استون و هریس ۱۹۹۱ استفاده شده است. نمونه مورد بررسی در این پژوهش شامل ۱۳۱ شرکت در دوره ۱۳۸۰-۱۳۸۸ است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که سود خالص شرکت‌ها به طور کلی محافظه‌کارانه بوده و این محافظه‌کاری از محتوای اطلاعاتی سود خالص می‌کاهد. همچنین به کارگیری ویژگی محافظه‌کاری در تهیه اطلاعات حسابداری به کسب بازده بیشتر برای سرمایه‌گذاران منجر نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری، محتوای اطلاعاتی، سود خالص، بازده سهام

۱. استادیار حسابداری دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهراء(س)، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۲۵

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۰/۷/۲۵

نویسنده مسئول مقاله: علی رحمانی

Email: rahmani.ali@gmail.com

مقدمه

محافظه‌کاری یکی از اصول قدیمی ارزشیابی ارقام حسابداری در شرایط عدم اطمینان محسوب می‌شود [۳]. در طول سال‌ها با وجود آنکه این اصل همواره مورد انتقاد قرار گرفته، اما ماندگار شده است و جالب‌تر آنکه در طول ۳۰ سال گذشته میزان استفاده از آن در اندازه‌گیری و گزارشگری مالی افزایش یافته است [۴]. این حیات طولانی مدت ممکن است بیانگر منافع محافظه‌کاری باشد اما سؤال مطرح، چیستی این منافع است. پژوهش‌های صورت پذیرفته طی سال‌های اخیر در کشورهای امریکایی و اروپایی، نشان‌دهنده کاهش محتوای اطلاعاتی سود خالص [۱۰] و افزایش تدریجی درجه محافظه‌کاری به کار گرفته شده در گزارشگری مالی است [۱۶]. اما نتایج پژوهش‌های مختلف در مورد اثر گزارشگری مالی محافظه‌کارانه بر محتوای اطلاعاتی اعداد حسابداری با یکدیگر سازگار نیست. برخی از آن‌ها عنوان می‌کنند، گزارشگری مالی محافظه‌کارانه محتوای اطلاعاتی اعداد حسابداری را افزایش می‌دهد و برخی دیگر عنوان می‌کنند محافظه‌کاری ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری را مخدوش می‌نماید. بنابراین این سؤال‌ها مطرح است که آیا سود خالص گزارش شده توسط شرکت‌ها محافظه‌کارانه است یا خیر؟ آیا به کارگیری محافظه‌کاری در تهیه اطلاعات مالی، محتوای اطلاعاتی سود خالص را کاهش می‌دهد یا خیر و آیا مدیریت با به کارگیری محافظه‌کاری می‌تواند بازده بیشتری برای سرمایه‌گذاران کسب نماید؟ پاسخ به این سؤال‌ها می‌تواند به ما در ارزیابی استانداردهای تدوین شده و تعیین مزایا و معایب ناشی از به کارگیری محافظه‌کاری در تهیه اطلاعات مالی یاری رساند.

در این مقاله ابتدا تعریفی از محافظه‌کاری ارائه، سپس لزوم کاربرد محافظه‌کاری در اندازه‌گیری و گزارشگری مالی تشریح و دلایل حمایت و انتقاد از آن مطرح شده است. سپس به منظور پاسخ به سؤال‌های پژوهش، فرضیه‌هایی تدوین و آزمون شده است. در بخش آخر، نتایج بحث و بررسی شده است.

مبانی نظری پژوهش

۱. تعریف محافظه كاری

محافظه كاری به معنای عدم تقارن در برخورد با ویژگی قابلیت تأیید درآمدها و هزینه‌ها (یا سودها و زیان‌ها) به منظور شناسایی در متن صورت‌های مالی یا افشاء در یادداشت‌های همراه است [۱۰]. هرچه عدم تقارن ویژگی قابلیت تأیید به عنوان پیش‌نیاز در شناسایی درآمدها و هزینه‌ها (یا سودها و زیان‌ها) افزایش یابد، درجه یا میزان محافظه كاری به کارگرفته شده در تهیه و تنظیم گزارش‌های مالی نیز افزایش می‌یابد.

۲. دلایل وجود پدیده محافظه كاری

دلایلی را که برای وجود پدیده محافظه كاری در متون مختلف بیان می‌شود، می‌توان به چهار دسته به شرح ذیل تقسیم نمود:

۱. قراردادهای: در بسیاری از قراردادهای شرکت با اشخاص ثالث از جمله سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، کارکنان و دیگر ذی‌نفعان، اعداد و ارقام حسابداری به عنوان مبنایی جهت کاهش هزینه‌های نمایندگی مرتبط با شرکت به کارگرفته می‌شود [۲۲]. طرفین قرارداد همواره خواهان به کارگیری مبانی ارزیابی به موقع در قراردادهای هستند. اما بسیاری از مبانی ارزیابی که می‌توانند اطلاعات به موقعی را ارائه نمایند به آسانی توسط طرفین قرارداد قابل تأیید نیستند. قابلیت تأیید، یکی از ویژگی‌های اصلی مبانی اندازه‌گیری یا اجزای آن است [۱۹].

۲. دعاوی حقوقی: طرح دعاوی حقوقی طبق قوانین بورس اوراق بهادار علیه شرکت‌هایی که اقلام صورت‌های مالی را نادرست ارائه می‌کنند، شرکت‌ها را به استفاده از حسابداری محافظه کارانه تشویق می‌نماید. مطابق با مفاد ماده ۲۱ دستورعمل انضباطی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز، ارائه گزارش خلاف واقع به تنبیه‌های انضباطی مانند سلب صلاحیت مدیران ناشر و توقف موقت معاملات یا تعلیق و لغو اوراق بهادار ناشر در بورس می‌شود. علت این امر آن است که احتمال طرح دعوی در مواقعی که سود خالص بیش از واقع نشان داده می‌شود بیشتر از احتمال طرح دعوی در مواقعی است که سود

خالص کمتر از واقع نشان داده می‌شود [۲۱]. به همین علت حساب‌برسان و مدیران ترجیح می‌دهند سود خالص را کمتر از واقع نشان دهند تا بیشتر از واقع و این یعنی حرکت به سمت حسابداری محافظه کارانه.

۳. مالیات: انگیزه‌های مالیاتی همواره بر روی چگونگی محاسبه سودخالص تأثیر داشته‌اند. بنابراین شرکت‌ها به منظور کاهش ارزش فعلی مالیات‌های پرداختی، تمایل به تعویق در شناسایی درآمدها (سودها) و تعجیل در شناسایی هزینه‌ها (زیان‌ها) دارند.

۴. نهادهای تدوین‌کننده استاندارد و تنظیم‌کننده قوانین و مقررات: هزینه‌های سیاسی بیش از واقع نشان دادن دارایی‌ها و سود نسبت به هزینه‌های کمتر از واقع نشان دادن آن‌ها برای تدوین‌کنندگان و دولتمردان بیشتر است [۲۰] و همین امر به به کارگیری حسابداری محافظه کارانه منجر می‌شود.

۳. استانداردهای حسابداری ایران و محافظه کاری

در استانداردهای حسابداری ایران نیز کاربرد ویژگی محافظه کاری به طور کامل مشهود است. به گونه‌ای که بر طبق این استانداردها شرط اصلی شناسایی درآمد، محتمل بودن جریان منافع اقتصادی آتی مرتبط با معامله به درون واحد تجاری است؛ بنابراین تا زمان حصول اطمینان از نزدیک شدن درآمد به جریان‌های نقدی، نباید اقدام به شناسایی آن نمود. این در حالی است که اگر واحد تجاری متحمل مخارجی شود که در ارتباط با منافع اقتصادی آتی آن ابهام قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد، آنگاه باید مخارج مزبور را در دوره وقوع هزینه نماید. به عبارت دیگر، استاندارد برای شناسایی درآمد و دارایی معیارهای سخت‌گیرانه‌تری نسبت به هزینه و بدهی تدوین نموده است. نمونه‌هایی از کاربرد محافظه کاری در استانداردها عبارتند از: بند ۲۴ استاندارد حسابداری شماره ۹، «حسابداری پیمان‌های بلندمدت»، بند ۴۰ استاندارد حسابداری شماره ۱۱، «دارایی‌های ثابت مشهود»، بند ۴ استاندارد حسابداری شماره ۸، «حسابداری موجودی مواد و کالا»، بندهای ۲۹ و ۳۱ و ۳۴ استاندارد حسابداری شماره ۱۵، «حسابداری سرمایه‌گذاری‌ها»، بندهای ۳۳، ۴۰ و ۴۴ استاندارد حسابداری شماره ۱۷، «دارایی‌های نامشهود» [۲].

بنابراین، بر مبنای استانداردهای موجود، انتظار داریم که اقلام صورت‌های مالی شرکت‌ها به‌نحو محافظه کارانه شناسایی و گزارش شود.

دلایل انتقاد از وجود پدیده محافظه کاری در گزارشگری مالی

پژوهشگرانی که مخالف کاربرد محافظه کاری در گزارشگری مالی هستند، دلایل زیر را مطرح نموده‌اند:

۱. محافظه کاری، ابزار مدیریت سود: پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که گزارشگری محافظه کارانه می‌تواند به‌عنوان ابزاری جهت مدیریت سود به کار برده شود [۱۳].
۲. تأکید بیشتر بر قابلیت اتکا در برابر تأکید کمتر بر مربوط بودن به‌عنوان دو ویژگی کیفی اطلاعات: محافظه کاری در بهترین حالت، یک روش ضعیف برخورد با پدیده عدم اطمینان در محاسبه سود است و در بدترین حالت به نابودی کامل داده‌های حسابداری منجر می‌شود [۱۷]. افزایش محافظه کاری بیانگر آن است که استانداردگذاران تمرکز کمتری بر ارزشیابی دارند و این تفاوت رفتار در شناخت سود در مقابل زیان، به کمتر نشان دادن خالص دارایی‌ها منجر می‌شود [۱۸].
۳. عدم شناخت مبالغ با اهمیت دارایی و شناخت آن‌ها به‌عنوان هزینه: برخی از پژوهش‌های دانشگاهی عنوان نموده‌اند که افزایش محافظه کاری می‌تواند دلیلی برای کاهش محتوای اطلاعاتی گزارشات مالی باشد [۱۲]. تعدیل صورت‌های مالی با سرمایه‌ای نمودن دارایی‌های نامشهود با اهمیتی که به‌علت وجود پدیده عدم اطمینان هزینه می‌شوند، اطلاعات مربوطی را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌آورد [۸].

پیشینه‌ی پژوهش

لو و زاروین (۱۹۹۹)، به بررسی ارزش مربوط بودن سود خالص، جریان وجوه نقد و ارزش دفتری در بازه ۱۹۹۶-۱۹۷۷ پرداختند. آن‌ها از رابطه بین اطلاعات حسابداری و ارزش بازار شرکت ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری را سنجیدند. نتایج پژوهش آن‌ها نشانگر کاهش محتوای اطلاعاتی سود خالص در دوره گفته شده بود [۱۹]. گیولی و هاین به بررسی روند

به کارگیری محافظه‌کاری در طول چند دهه اخیر پرداختند. آن‌ها از شاخص اقلام تعهدی جهت سنجش محافظه‌کاری استفاده نمودند. نتیجه پژوهش آن‌ها حکایت از افزایش محافظه‌کاری در طول زمان داشت [۱۶]. بال، کوتاری و رایین (۲۰۰۰)، به مقایسه محتوای اطلاعاتی سود خالص در کشورهای با حقوق عرفی (که دارای سطح بالاتری از محافظه‌کاری هستند) و کشورهای با حقوق نوشته (که دارای سطح پایین‌تری از محافظه‌کاری هستند) پرداختند. آن‌ها بین سود خالص و بازده‌های مثبت و منفی رگرسیون گرفته و دریافته‌اند بین ضرایب باسو، بازده‌های مثبت و منفی در کشورهای با محافظه‌کاری بالا و پایین، اختلاف معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر سود در کشورهای با حقوق عرفی نسبت به کشورهای با حقوق نوشته، توان بیشتری در تبیین رفتار بازده سهام دارد [۲۰]. بالاجندران و موهانام (۲۰۰۶)، رابطه بین سطح محافظه‌کاری و میزان مربوط بودن سودخالص را مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با استفاده از دو روش پن من و ژانگ (۲۰۰۲) و بیور و رایان (۲۰۰۰) به اندازه‌گیری محافظه‌کاری پرداختند. همچنین از ضریب تبیین رگرسیون بازده، سود خالص و تغییرات آن به منظور سنجش محتوای اطلاعاتی سود خالص بهره گرفتند. آن‌ها دریافته‌اند، سودخالص در شرکت‌های با محافظه‌کاری بالا نسبت به سود خالص در شرکت‌های با محافظه‌کاری پایین، مربوط‌تر است. بنابراین، چنین نتیجه‌گیری نمودند که احتمالاً محافظه‌کاری دلیل اصلی کاهش ارتباط ارزشی سود خالص نیستند [۱۱]. پروان و همکارانش (۲۰۰۶)، به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در ۲۰ کشور پرداختند. آن‌ها دریافته‌اند در کشورهایی که از اقلام تعهدی بالایی استفاده می‌کنند، بین سطح محافظه‌کاری و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کوسندیس و همکارانش (۲۰۰۹)، به یک رابطه غیرخطی بین سطح محافظه‌کاری و ارزش مربوط بودن اطلاعات سود خالص شرکت‌های پذیرفته شده در بورس یونان دست یافتند. آن‌ها به منظور سنجش محافظه‌کاری از مدل باسو و سنجش محتوای اطلاعاتی از رگرسیون بازده و سود بهره گرفتند. نتیجه پژوهش آن‌ها حکایت از آن داشت که سودهای با محافظه‌کاری بالا یا پایین از محتوای

اطلاعاتی پایینی برخوردار هستند [۱۳]. در داخل کشور رضازاده و آزاد (۱۳۸۷) رابطه بین محافظه‌کاری و عدم تقارن اطلاعاتی را بررسی نموده و به رابطه‌ای مثبت و معناداری میان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و محافظه‌کاری دست یافتند [۱]. کردستانی و لنگرودی نیز رابطه متقابل دو معیار سنجش محافظه‌کاری در ایران را بررسی نموده و دریافتند که بین واکنش نامتقارن سود و نسبت ارزش بازار خالص دارایی‌ها به ارزش دفتری آن‌ها رابطه منفی وجود دارد [۴].

روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ ماهیت و روش از نوع پژوهش همبستگی است. قلمرو زمانی پژوهش از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸ تعیین شده است. داده‌های مورد نیاز در پژوهش از بانک‌های داده‌ای شامل نرم‌افزار تدبیرپرداز و سایت اینترنتی www.rdis.com متعلق به مرکز مدیریت پژوهش و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار گردآوری شده و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای اکسل و SPSS صورت پذیرفته است [۵].

جامعه و نمونه آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند. نمونه‌گیری با استفاده از روش حذفی صورت پذیرفته است. شرکت‌هایی در نمونه منظور شدند که حائز شرایط زیر باشند: [۶]

- تا قبل از سال ۱۳۸۰ در بورس پذیرفته شده باشند.
 - پایان سال مالی آن‌ها آخر اسفندماه هر سال باشد.
 - طی دوره مورد بررسی سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 - شرکت سرمایه‌گذاری نباشند.
 - اطلاعات متغیرهای مورد بررسی در کلیه سال‌های مورد آزمون، موجود باشد.
- با توجه به شرایط گفته شده در بالا، ۱۳۱ شرکت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند.

فرضیه‌های پژوهش

در این پژوهش، براساس اهداف و مبانی نظری پژوهش، سه فرضیه به شرح ذیل تدوین شده‌اند: [۵]

فرضیه اول: سود خالص گزارش شده شرکت‌ها، محافظه کارانه هستند. طبق دیدگاه واتز، محافظه کاری از طریق کاهش خطای اندازه‌گیری سود، به ارتقاء رابطه بین سود خالص و بازده کمک می‌کند [۲۰]. این دیدگاه مبنای فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه دوم: محافظه کاری، محتوای اطلاعاتی سود خالص در توضیح رفتار بازدهی را افزایش می‌دهد.

کوسنندیس و همکارانش نشان دادند، شرکت‌های با محافظه کاری بالا به‌طور میانگین بازده بیشتری نسبت به شرکت‌های با محافظه کاری پایین برای سرمایه‌گذاران خود کسب می‌نمایند [۱۳]. این نتیجه، مبنای فرضیه سوم پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه سوم: شرکت‌های دارای سود خالص با محافظه کاری بالا به‌طور میانگین بازده بیشتری نسبت به شرکت‌های دارای سود خالص با محافظه کاری پایین کسب می‌نمایند.

اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های به‌کار گرفته شده در پژوهش‌های پیشین، جهت اندازه‌گیری محافظه کاری و محتوای اطلاعاتی سود خالص استفاده می‌نمایم.

۱. اندازه‌گیری محافظه کاری: برای اندازه‌گیری محافظه کاری، از سه مدل به شرح زیر استفاده شد: مدل اول، مدل باسو (۱۹۹۷) است بر این اساس، محافظه کاری از طریق تفاوت در سرعت شناسایی اخبار بد در مقابل اخبار خوب توسط سودهای خالص تعریف می‌شود.

$$\frac{EPS_{it}}{P_{i,t-1}} = \beta_0 + \beta_1 DT_{it} + \beta_2 Ret_{it} + \beta_3 Ret_{it} DT_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل شماره ۱}$$

EPS_{it} = سود هر سهم برای شرکت i در سال t

$P_{i,t-1}$ = قیمت سهام شرکت i در پایان سال $t-1$

DT_{it} = اگر بازده شركت i در سال t منفى باشد يك و در غير اين صورت صفر

Ret_{it} = بازده شركت i منتهى به تيرماه سال t

در صورت محافظه كارانه بودن سود خالص ضريب β 3 مثبت بوده و بازده رابطه معنادارى با سود دارد. اندازه اين ضريب نشان‌دهنده‌ى ميزان محافظه كاري است [۱۰].

مدل دوم، مدل بال و شيواكومار (۲۰۰۵) است. آن‌ها از مدل ساده اقلام تعهدى و جريان‌هاى نقد ديچو، كوتارى و واتز (۱۹۹۸) به منظور برجسته نمودن نقش اقلام تعهدى در شناخت به موقع زيان‌ها استفاده نمودند. در صورت محافظه كاران بودن سود خالص، انتظار مى‌رود كه جريان‌هاى نقدى منفى با کاهش در اقلام تعهدى همراه باشد.

مدل شماره ۲ $ACC_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 DCFO_{it} + \alpha_2 CFO_{it} + \alpha_3 DCFO_{it} * CFO_{it} + \epsilon_{it}$

ACC_{it} = اقلام تعهدى شركت i در سال t

$DCFO_{it}$ = اگر جريان‌هاى نقدى عملياتى شركت i در سال t منفى باشد يك و در غير اين صورت صفر

CFO_{it} = جريان‌هاى نقدى عملياتى شركت i در سال t

همه متغيرهاى مدل بالا (به استثنائى متغير مجازى) به رقم جمع دارايى‌هاى شركت i در انتهاي سال $t-1$ تقسيم شده و بدین ترتيب مقياس زدائى شده است.

در صورت محافظه كارانه بودن سود خالص ضريب α_3 مثبت بوده و جريان‌هاى نقدى رابطه معنادارى با اقلام تعهدى دارد. اندازه اين ضريب بيانگر ميزان محافظه كاري است [۷].

مدل سوم مدل بال، كوتارى و رابين (۲۰۰۰) است. در اين مدل، وجود رابطه معكوس بين تغييرات سود در دو دوره متوالى دال بر محافظه كاري است. علت اين امر آن است كه اخبار بد شناسايى شده در دوره جاري از تداوم كمترى نسبت به اخبار خوب شناسايى شده برخوردار بوده و بنا بر اين انتظار مى‌رود آثار آن در دوره بعد معكوس شود.

مدل شماره ۳ $\Delta OI_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 D\Delta OI_{it-1} + \alpha_2 \Delta OI_{it-1} + \alpha_3 D\Delta OI_{it-1} * \Delta OI_{it-1} + \epsilon_{it}$

ΔOI_{it} = تغييرات سود عملياتى شركت i در سال t نسبت به سال $t-1$

ΔOI_{it-1} = تغييرات سود عملياتى شركت i در سال $t-1$ نسبت به سال $t-2$

$D\Delta OI_{it-1}$ = اگر تغییرات سود شرکت i در سال $t-1$ نسبت به سال $t-2$ منفی باشد یک و در غیر این صورت صفر [۹]

همه متغیرهای مدل بالا (به استثنای متغیر مجازی) به ارزش بازار ابتدای دوره شرکت i در سال t تقسیم شده و بدین ترتیب مقیاس‌زدایی شده است.

۲. اندازه‌گیری محتوای اطلاعاتی سود خالص: یکی از روش‌های آزمون محتوای اطلاعاتی سود خالص استفاده از مدل السون و فلتام (۱۹۹۵) است. این مدل ارزش بازار شرکت را به ارزش دفتری سرمایه و سودهای خالص مرتبط می‌سازد:

$$P_{it} = \beta_0 + \beta_1 BV_{it} + \beta_2 EPS_{it} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل شماره ۴}$$

P_{it} = قیمت سهام شرکت i در پایان تیرماه سال t

BV_{it} = ارزش دفتری هر سهم شرکت i در سال t

EPS_{it} = سود هر سهم شرکت i در سال t

استون و هریس (۱۹۹۱) مدلی را بر مبنای مدل مازاد تمیز توسعه دادند. در این پژوهش به منظور اجتناب از مشکلات موجود در رگرسیون‌های مبتنی بر سطح از آن استفاده می‌نماییم که به شرح زیر است:

$$Ret_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{EPS_{it}}{P_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta EPS_{it}}{P_{it-1}} + \varepsilon_{it} \quad \text{مدل شماره ۵}$$

Ret_{it} = بازده شرکت i منتهی به تیرماه سال t

EPS_{it} = سود هر سهم شرکت i در سال t

P_{it-1} = قیمت سهام شرکت i در ابتدای سال t

$$\Delta EPS_{it} = \text{تغییرات سود هر سهم شرکت } i \text{ در سال } t \text{ نسبت به سال } t-1 \text{ [۱۴]}$$

استون (۱۹۹۹) بیان می‌کند در صورتی که پژوهشگر بخواهد رابطه همزمان متغیرهای حسابداری و تغییرات ارزش بازار را مورد بررسی قرار دهد، آنگاه مدل مورد استفاده او باید مبتنی بر بازده باشد [۱۵]. در این پژوهش هر سه مدل اندازه‌گیری محافظه‌کاری، در سطح هر شرکت به کار گرفته شده و ضرایب محافظه‌کاری استخراج شده است. سپس، شرکت‌ها بر اساس ضریب محافظه‌کاری مرتب شده و به ۳ گروه تقسیم شده‌اند. یک سوم

بالای طیف به‌عنوان شرکت‌های با محافظه‌کاری بالا، یک‌سوم پایین طیف به‌عنوان شرکت‌های با محافظه‌کاری پایین و مابقی به‌عنوان شرکت‌های با محافظه‌کاری متوسط در نظر گرفته شدند [۱۳]. آنگاه محتوای اطلاعاتی سود خالص براساس مدل استون و هریس در گروه‌های گفته شده آزمون شدند.

یافته‌های پژوهش

۱. سود خالص محافظه‌کارانه: با استفاده از مدل‌های باسو، بال و شیوا کومار و مدل بال، کوتاری و رابین به آزمون محافظه‌کاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار به‌صورت پنل پرداخته شد. براساس نتایج مدل‌های گفته شده، مدل بال، کوتاری و رابین بیانگر محافظه‌کارانه بودن سود خالص گزارش شده توسط شرکت‌های مورد بررسی بود که نتایج در جدول ۱ ارایه می‌شود. مطابق با جدول بالا، ضریب α_3 منفی و معنادار است که این نتایج با نتایج مورد انتظار مدل ۳ در شرایط محافظه‌کاری سازگار است. باتوجه به استانداردهای حسابداری ایران، مشاهده چنین نتایجی دور از انتظار نیست.

جدول ۱. نتایج مربوط به آزمون فرضیه شماره ۱

شرح	ΔOI_{it-1}	$D\Delta OI_{it-1}$	$D\Delta OI_{it-1} * \Delta OI_{it-1}$
ضرایب	۰.۱۵۲	-۰.۱۸۶	-۰.۹۱۵
سطح معناداری ضرایب	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
سطح معناداری آماره F	۰.۰۰۰		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰.۶۴۷		
آماره دوربین واتسون	۱.۸۹۳		

۲. محافظه‌کاری و نقش سود خالص در تبیین رفتار بازده سهام: در ابتدا مدل‌های شماره ۱ تا ۳ در سطح هر یک از شرکت‌های موجود در نمونه مورد آزمون قرار گرفته [۱۳] و ضرایب محافظه‌کاری مربوطه به تفکیک هر یک از مدل‌ها استخراج شده است. شرکت‌ها براساس این ضرایب به سه دسته تقسیم شدند. شرکت‌های با محافظه‌کاری بالا، شرکت‌های با محافظه‌کاری پایین و در نهایت شرکت‌هایی که در میانه این طیف قرار می‌گیرند. پس از تفکیک شرکت‌ها به سه دسته گفته شده، به بررسی میزان توضیح‌دهندگی بازده سهام

توسط سود خالص (محتوای اطلاعاتی سود خالص) پرداختیم. نتایج هر سه مدل بیانگر کمتر بودن توان تبیین سود خالص با محافظه‌کاری بالا نسبت به سود خالص با محافظه‌کاری پایین دارد. نتایج هر یک از مدل‌ها در جدول ۲، به شرح ذیل ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می‌شود، مدل‌های ۲ و ۳ تفاوت بیشتری در توان تبیین سود خالص در شرکت‌های با محافظه‌کاری بالا و پایین نشان می‌دهند. براساس نتایج مندرج در جدول ۲، محافظه‌کاری به کاهش محتوای اطلاعاتی سود خالص منجر می‌شود. به عبارت دیگر محافظه‌کاری ضعیف‌ترین راه برخورد با پدیده عدم اطمینان است و به کارگیری آن توسط حسابداران به افزایش سهم تحریف ناشی از سیستم اندازه‌گیری در ارائه اطلاعات به بازار سرمایه منجر می‌شود. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر آنکه با افزایش محافظه‌کاری محتوای اطلاعاتی سود خالص نیز افزایش می‌یابد، تأیید نشده است.

جدول ۲. مقایسه ضریب تبیین سود خالص شرکت‌های با محافظه‌کاری بالا و پایین

شرکت‌های با محافظه‌کاری بالا						شرح
مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		
$\frac{\Delta EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{\Delta EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{\Delta EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}}$	
۰.۳۰۵	-۰.۰۸۰	-۰.۰۲۰	۰.۴۲۲	-۰.۳۱۷	۰.۴۳۴	ضرایب
۰.۰۰۰	۰.۳۳۰	۰.۸۴۸	۰.۰۰۰	۰.۰۳۱	۰.۰۰۳	سطح معناداری ضرایب
۱۲.۱۷۰		۲۰.۱۱۰		۴.۸۲۳		آماره F
۰.۰۰۰		۰.۰۰۰		۰.۰۰۹		سطح معناداری آماره F
۰.۰۵۴		۰.۱۵۶		۰.۰۳۷		ضریب تعیین تعدیل شده
۱.۸۹۳		۱.۵۱۰		۱.۷۵۰		آماره دوربین واتسون

شرکت‌های با محافظه‌کاری پایین						شرح
مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		
$\frac{\Delta EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{\Delta EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{\Delta EPS_{it}}{P_{it-1}}$	$\frac{EPS_{it}}{P_{it-1}}$	
۰.۰۳۳	۰.۲۳۵	-۰.۸۱۹	۰.۹۰۱	-۰.۰۶۱	۰.۵۸۰	ضرایب
۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۵۱۵	۰.۰۰۰	سطح معناداری ضرایب
۱۳.۵۲۰		۹۵.۹۲۰		۳۸.۲۹۰		آماره F
۰.۰۰۰		۰.۰۰۰		۰.۰۰۰		سطح معناداری آماره F
۰.۰۶۱		۰.۴۸۰		۰.۲۷۹		ضریب تعیین تعدیل شده
۱.۵۴۳		۲		۱.۷۳۰		آماره دوربین واتسون

۳. محافظة كاری و بازدهی سهام: با توجه به نتایج دو فرض اولیه پژوهش، شركت‌های مورد بررسی در نمونه دارای سود خالص محافظة كارانه بوده و این محافظة كاری با کاهش محتوای اطلاعاتی سود خالص همراه است؛ بنابراین، در فرضیه سوم به دنبال بررسی این امر می‌باشیم که آیا شركت‌های با محافظة كاری بالا می‌توانند بازده بیشتری نسبت به شركت‌های با محافظة كاری پایین برای سرمایه‌گذاران خود کسب نمایند؟ بدین منظور میانگین بازده سهام شركت‌های با محافظة كاری بالا را با میانگین بازده سهام شركت‌های با محافظة كاری پایین مقایسه نمودیم. از آنجا که متغیر بازده از توزیع نرمالی برخوردار نبود، از آزمون یومن ویتنی برای نمونه‌های مستقل استفاده شده است. نتایج این آزمون به تفکیک هر یک از سه مدل به کار گرفته شده در این پژوهش به منظور سنجش محافظة كاری، در جدول ۳ به شرح ذیل ارائه شده است.

جدول ۳. آزمون میانگین بازده سهام در شركت‌های با محافظة كاری بالا و پایین

شرح	مدل ۱	مدل ۲	مدل ۳
آماره یومن ویتنی	۷۴۳۶۴	۱۹۶۰۵	۱۹۱۹۹
آماره Z	-۰.۵۳۰	-۱.۴۹۰	-۱.۱۰۰
سطح معنی داری آماره Z	۰.۵۹۰	۰.۱۳۰	۰.۲۷۰

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۳، بین میانگین بازده‌های سهام شركت‌های با محافظة كاری بالا و پایین تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود و محافظة كاری به کسب بازده بیشتر برای سهامداران منجر نشده است. در نتیجه فرضیه سوم رد می‌شود. بدین ترتیب محافظة كاری ضمن آنکه با کاهش محتوای اطلاعاتی سود خالص همراه است، به کسب بازده بیشتر برای سرمایه‌گذاران نیز منجر نمی‌شود.

نتیجه گیری

در این پژوهش به منظور بررسی اثر به کارگیری محافظة كاری مستتر در استانداردهای حسابداری ایران بر اطلاعات حسابداری شركت‌ها، از مدل ارائه شده توسط استون و هریس (۱۹۹۱) استفاده شده است. سه مدل باسو (۱۹۹۷)، بال و شیواکومار (۲۰۰۵) و بال،

کوتاری و رایین (۲۰۰۱)، جهت تعیین سطح محافظه کاری به کار گرفته شده در شرکت‌ها مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج آزمون مدل‌ها بیانگر آن بود که براساس مدل بال، کوتاری و رایین به طور کلی سود خالص شرکت‌ها محافظه کارانه است و براساس هر سه مدل، ویژگی محافظه کاری با کاهش محتوای اطلاعاتی سود خالص همراه است. بنابراین نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش بال، کوتاری و رایین (۲۰۰۰)، بالاچندران و موهانرام (۲۰۰۶)، کوسندیس و همکارانش (۲۰۰۹) ناسازگار و با نتایج پژوهش لو و زاروین (۱۹۹۹)، گیولی و هاین (۲۰۰۰)، هولساسن و واتز (۲۰۰۱) و بوشمن و پتروسکی (۲۰۰۶) سازگار است. در عین حال، گزارش سود خالص با محافظه کاری بالا بازده بیشتری را برای سرمایه گذاران به همراه ندارد. این نتیجه با نتیجه پژوهش کوسندیس و همکارانش (۲۰۰۹) ناسازگار است.

محدودیت‌های پژوهش

محدودیت‌ها و مشکل‌هایی که در اجرای پژوهش حاضر وجود داشته و باید حین تفسیر یافته‌های پژوهش و تعمیم آن مدنظر قرار گیرند، به شرح زیر است:

- با توجه به تفاوت شرکت‌های نمونه از لحاظ اندازه، صنعت، ساختار مالکیت و نوع محصولات، تعمیم یافته‌ها باید با احتیاط انجام گیرد.
- به منظور تهیه داده‌های مورد بررسی در مدل‌های پژوهش بر داده‌های موجود در نرم‌افزار تدبیر پردازش اتکا شد [۱].

پیشنادهایی برای پژوهش‌های آتی

به منظور انجام پژوهش‌های آتی، موضوع‌های زیر پیشنهاد می‌شود:

- از آنجا که ویژگی‌های مرتبط با فعالیت‌های هر صنعت می‌توانند درجات مختلفی از محافظه کاری را طلب نمایند؛ بنابراین انتظار بر آن است در صورتی که موضوع این پژوهش در سطح صنایع مختلف مورد بررسی قرار گیرد، نتایج متفاوتی حاصل آید.

● به‌منظور آزمون محافظة كاري می‌توان از مدل‌های دیگری مانند معیار اقلام تعهدی گیولی و هاین، معیار ارزش بازار به ارزش دفتری استوبر و معیار خالص دارایی‌های بیور و رایان استفاده نمود.

منابع

۱. بنی‌مهد بهمن، تهمینه باغبانی. اثر محافظة كاري حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه‌شركت و نسبت اهرمی بر زیان‌دهی شركت‌ها، بررسیهای حسابداری و حسابرسی ۱۳۸۸؛ ۵۸: ۵۳-۷۰.
۲. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، استانداردهای حسابداری ایران، سازمان حسابرسی؛ ۱۳۸۸.
۳. کرمی غلامرضا، حامد عمرانی. تأثیر چرخه عمر شركت و محافظة كاري بر ارزش شركت، بررسیهای حسابداری و حسابرسی ۱۳۸۹؛ ۵۹: ۷۹-۹۶.
۴. مشایخی بیتا، مهدی محمد آبادی، رضا حصارزاده. تأثیر محافظة كاري حسابداری بر پایداری و توزیع سود، بررسیهای حسابداری و حسابرسی ۱۳۸۸؛ ۵۶: ۱۰۷-۱۲۴.
۵. مهرانى كاوه، حلاج محمد، حسنى عباس. بررسی محافظة كاري در سود حسابداری و رابطه آن با اقلام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری ۱۳۸۳؛ ۳: ۸۸-۱۰۷.
۶. مهرانى كاوه، وافى ثانی جلال، حلاج محمد. رابطه قراردادهای بدهی و اندازه شركت با محافظة كاري در شركت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ۱۳۸۹؛ ۵۹: ۹۷-۱۱۲.
7. Ball R, L shivakumar. The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition, journal of accounting research 2006; 44: 42-207.
8. Ball R, L shivakumar. Earnings quality in uk private firms: comparative loss recognition timeliness, journal of accounting & economics 2005; 39: 83-128.
9. Ball R, S.P. Kothari, Robin. The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings", journal of accounting & economics 2000; 29: 1-51.

10. Basu S. The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings, *Journal of Accounting and Economics* 1997; 24: 3-37.
11. Balachandran S.V, P.S. Mohanram. Conservatism and the Value Relevance of Accounting Information, Unpublished Working Paper, Columbia University 2006.
12. Collins D, E Maydew, I Weiss. Changes in the value-relevance of earnings and bookvalues over the past forty years", *Journal of Accounting and Economics* 1997; 24, 39-67.
13. Dimitrios V, Kousenidis, Anestis C, Ladas, ChristosI Negakis. Value relevance of conservatism and non-conservatism accounting information, the international journal of accounting 2009; 44: 219-238.
14. Easton P.D, T.S.Harris Earnings as an explanatory variable for returns, *Journal of Accounting Research* 1991; 29: 19-36.
15. Easton P.D. Security returns and the value relevance of accounting data ", *Accounting Horizons* 1999; 13: 399-412.
16. GivolyD, C Hayn, A. Natarayan. Measuring reporting conservatism, *The Accounting Review* 2006; 82: 65-106.
17. Hendricksen, eldon.S, Michael.F.vanbreda. Accounting theory, mac grow hill 1992.
18. Holthausen Robert W, Ross .Watts. The Relevance of the Value Relevance Literature for Financial Accounting Standard Setting, *Journal of Accounting and Economics* 2001; 31(1 -3): 3-76.
19. Kothari S. Capital markets research in accounting, *Journal of Accounting and Economics* 2001; 31: 105-231.
20. Watts Ross L. Conservatism in accounting, online: <http://papers.ssrn.com>; 2002.
21. Ryan lafond, Ross L watts. The information role of conservatism, *journal of the accounting review* 2008; 83(2): 175-207.
22. Zimmerman J. R watts. Positive accounting theory, prentice –hall, inc; 1986.